

به نام یزدان پاک

همه‌ی سوال‌های

علوم بلاغی
(معانی و بیان و بدیع)

(جلد ۲)

۱۳۹۰-۱۴۰۴

تالیف و تدوین
گروه مولفین پردازش

فهرست مطالب

مقدمه

مقدمه تحلیلی

جدول فراوانی موضوعی سوالات کارشناسی ارشد

۱۲۳	تاریخ ادبیات.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۳۹۰
۱۲۵	پاسخ‌نامه تاریخ ادبیات.....	
۱۲۷	تاریخ ادبیات.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۳۹۱
۱۲۹	پاسخ‌نامه تاریخ ادبیات.....	
۱۳۱	تاریخ ادبیات.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۳۹۲
۱۳۳	پاسخ‌نامه تاریخ ادبیات.....	
۱۳۵	تاریخ ادبیات.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۳۹۳
۱۳۷	پاسخ‌نامه تاریخ ادبیات.....	
۱۳۹	تاریخ ادبیات.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۳۹۴
۱۴۱	پاسخ‌نامه تاریخ ادبیات.....	
۱۴۳	تاریخ ادبیات.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۳۹۵
۱۴۵	پاسخ‌نامه تاریخ ادبیات.....	
۱۴۷	تاریخ ادبیات.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۳۹۶
۱۴۹	پاسخ‌نامه تاریخ ادبیات.....	
۱۵۱	تاریخ ادبیات.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۳۹۷
۱۶۱	پاسخ‌نامه تاریخ ادبیات.....	
۱۶۴	تاریخ ادبیات.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۳۹۸
۱۶۶	پاسخ‌نامه تاریخ ادبیات.....	
۱۶۹	تاریخ ادبیات.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۳۹۹
۱۷۱	پاسخ‌نامه تاریخ ادبیات.....	
۱۷۴	معانی و بیان و بدیع.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۰
۱۷۷	پاسخ‌نامه معانی و بیان و بدیع.....	
۱۹۵	معانی و بیان و بدیع.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۱
۱۹۸	پاسخ‌نامه معانی و بیان و بدیع.....	
۲۱۶	معانی و بیان و بدیع.....	آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۲
۲۱۹	پاسخ‌نامه معانی و بیان و بدیع.....	

آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۳

۲۳۶ معانی و بیان و بدیع

۲۳۹ پاسخ‌نامه معانی و بیان و بدیع

آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۴

۲۵۴ معانی و بیان و بدیع

۲۵۷ پاسخ‌نامه معانی و بیان و بدیع

۲۷۳ پیوست ها

۲۷۵ معرفی اجمالی شخصیت ها و موضوعات تخصصی و منابع کلیدی

۲۷۷ فرهنگ اصطلاحات تخصصی علوم بلاغی

۲۸۵ فهرست تحلیلی = موضوعی (نمایه)

۲۸۹ فهرست منابع

پیشگفتار

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

آزمون ورودی کارشناسی ارشد، نه یک پایان، که سرآغازی است برای گام نهادن در وادی تخصص و پژوهش؛ گذرگاهی که عبور هوشمندانه از آن، نیازمند نقشه‌ای دقیق و ابزاری کارآمد است. مجموعه‌ای که پیش روی شماست، با همین رویکرد و برای پاسخ به نیازهای حقیقی داوطلبان فرهیخته رشته زبان و ادبیات عربی، به‌ویژه در درس سرنوشت‌ساز «علوم بلاغی»، تدوین و سامان یافته است. این اثر، صرفاً گردآوری پرسش و پاسخ نیست، بلکه تلاشی است برای ارائه یک راهنمای تحلیلی و استراتژیک که افق دید شما را از «حفظیات» به «تحلیل» و از «آگاهی» به «تسلط» ارتقا بخشد.

چشم‌انداز و روش‌شناسی تدوین

این مجموعه با در بر گرفتن سوالات آزمون‌های کارشناسی ارشد از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴، یک بایگانی کامل و جامع را در اختیار شما قرار می‌دهد. شالوده اصلی پاسخ‌ها و تحلیل‌ها، آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و معتبرترین منابع دانشگاهی بوده است تا اطمینان حاصل شود که محتوای ارائه شده، با معیارهای علمی و سنجشی روز هم‌راستا است. آنچه این اثر را از نمونه‌های مشابه متمایز می‌سازد، رویکرد منحصربه‌فرد در پاسخ‌گویی به سوالات پنج سال اخیر (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴) است که بر سه اصل استوار است:

۱. **تشریح گزینه صحیح:** ابتدا گزینه درست با استناد به منابع متقن و با بیانی شیوا به تفصیل شرح داده می‌شود تا هیچ ابهامی در ذهن خواننده باقی نماند.
۲. **تحلیل گزینه‌های نادرست:** در گامی فراتر، علت نادرستی سایر گزینه‌ها یک‌به‌یک واکاوی می‌شود. این روش که به «تحلیل گزینه‌های انحرافی» شهرت دارد، به داوطلب کمک می‌کند تا با دام‌های تستی و ظرافت‌های مفهومی آشنا شود و قدرت تشخیص خود را به حداکثر برساند.
۳. **ارائه نکات تکمیلی:** در پایان هر پاسخ، نکات کلیدی و تکمیلی مرتبط با سوال مطرح می‌شود تا یادگیری از سطح آن پرسش فراتر رفته و به مرور و تثبیت مفاهیم مرتبط بینجامد.

ساختار و محتوای مجموعه

- این کتاب فراتر از یک بانک سوال، یک بسته آموزشی کامل است که با اجزای زیر، مسیر مطالعه را برای شما هموار می‌سازد:
- **مقدمه تحلیلی بر روند آزمون‌ها:** در این بخش، برای نخستین بار، روند پانزده‌ساله آزمون‌های علوم بلاغی به دقت تحلیل شده است. شما در این مقدمه درخواهید یافت که کدام مباحث همواره پرتکرار بوده‌اند، رویکرد طراحان سوال چگونه از مباحث تاریخی به سمت مباحث تحلیلی تغییر کرده و دیدگاه کدام اساتید و منابع در کانون توجه بوده است. این تحلیل، به شما یک دید استراتژیک برای مطالعه هوشمندانه‌تر می‌بخشد.
 - **پاسخنامه جامع و تحلیلی:** قلب این مجموعه، پاسخنامه‌ای است که با روش سه‌گانه فوق‌الذکر تدوین شده و هر سوال را به فرصتی برای یادگیری عمیق و چندوجهی بدل می‌کند.
 - **جمع‌بندی نهایی و استراتژی مطالعه:** در پایان، بر اساس تحلیل آماری و محتوایی سوالات، ۳ تا ۴ مبحث کلیدی و پرتکرار مشخص شده و یک برنامه پیشنهادی برای تمرکز ویژه بر این موضوعات ارائه گردیده است تا بتوانید از زمان خود بهینه‌ترین استفاده را ببرید.

امید است این مجموعه، همچون راهنمایی امین و مشاور دلسوز، شما را در این مسیر علمی همراهی کرده و گامی مؤثر در جهت دستیابی به موفقیت و کسب جایگاهی شایسته در عرصه تحصیلات تکمیلی باشد.

با آرزوی توفیق روزافزون

تحلیل جامع و استراتژی مطالعه آزمون کارشناسی ارشد علوم بلاغی

این راهنما با هدف ارائه یک دید استراتژیک برای داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی تدوین شده است. تحلیل حاضر بر اساس روند کلی آزمون‌ها و سرفصل‌های مصوب وزارت علوم استوار است و به شما کمک می‌کند تا مطالعه خود را هوشمندانه و هدفمند سازید.

بخش اول: روندشناسی و رویکرد کلی آزمون

۱. تغییر رویکرد از دانش‌محوری به مهارت‌محوری

روند آزمون‌ها در سال‌های اخیر نشان‌دهنده یک تغییر مسیر مشخص از سوالات حافظه‌محور (مانند تعاریف صرف) به سمت سوالات تحلیلی و کاربردی است. اکنون، توانایی داوطلب در تجزیه و تحلیل شاهد مثال (آیه، حدیث یا بیت شعر) و استنباط اهداف بلاغی، معیار اصلی سنجش است.

۲. تمرکز بر منابع کلیدی

ساختار سوالات و دسته‌بندی مفاهیم، عمدتاً با چهارچوب دو منبع درسی دانشگاهی یعنی «جواهر البلاغة» (احمد الهاشمی) و «البلاغة الواضحة» (علی الجارم و مصطفی امین) هماهنگی کامل دارد. برای درک عمیق‌تر مباحث نظری، آثار عبدالقاهر جرجانی همچنان مرجع اصلی دیدگاه‌های تحلیلی است.

بخش دوم: استراتژی نهایی و برنامه پیشنهادی مطالعه

سه مبحث کلیدی برای موفقیت قطعی:

۱. **ارکان اصلی علم بیان (تشبیه، استعاره، کنایه):** این بخش پرکارترین و اغلب تعیین‌کننده‌ترین قسمت آزمون است. تسلط بر تفاوت‌های ظریف میان انواع آن‌ها حیاتی است.

۲. **اغراض بلاغی در علم معانی:** تمرکز بر مباحثی چون «خبر و انشاء» و «ایجاز و اطناب» باید همراه با یادگیری اهداف و مقاصد ثانویه آن‌ها باشد.

۳. **محسنات بدیعی معنوی (طباق، مقابله و توریه):** این آرایه‌ها به دلیل تأثیر مستقیم بر معنا، همواره مورد توجه طراحان سوال قرار دارند.

برنامه پیشنهادی مطالعه:

- **گام اول: تسلط بر مفاهیم پایه (۲۰ روز):** تعاریف، ارکان و انواع هر یک از سه مبحث کلیدی فوق را با استفاده از منابع اصلی مطالعه کرده و برای هر کدام یک نمودار درختی ترسیم کنید.
- **گام دوم: تمرین متن‌محور (۳۰ روز):** به سراغ قرآن کریم، نهج البلاغه و اشعار معروف بروید و روزانه حداقل ۱۰ شاهد مثال را صرفاً برای این سه مبحث کلیدی تحلیل کنید. هدف شما باید فراتر از شناسایی آرایه و رسیدن به فلسفه زیبایی‌شناختی آن باشد.
- **گام سوم: تست‌زنی تحلیلی (۱۰ روز):** هنگام تمرین تست‌های سال‌های گذشته، پس از هر تست، علت نادرستی سه گزینه دیگر را به دقت تحلیل کنید. این کار به شما درک عمیقی از نگاه طراح و دام‌های تستی می‌دهد.

بخش سوم: جدول تحلیل مباحث و انواع سوالات

این جدول به تفکیک علوم بلاغی، مباحث پرتکرار، نوع سوالات متداول و سطح تحلیل مورد نیاز را مشخص می‌کند.

بخش اصلی (علم)	سرفصل/مبحث کلیدی	نوع سوالات متداول در آزمون	سطح تحلیل مورد نیاز
۱. علم معانی	خبر و انشاء	- تشخیص نوع جمله و تحلیل اغراض بلاغی (مقاصد ثانویه کلام).	تحلیل بلاغی و استنباط
	قصر	- شناسایی طرق قصر (إنما، نفی و استثناء، عطف، تقدیم) در شاهد مثال.	تطبيق و طبقه‌بندی
	ایجاز، اطناب، مساوات	- تشخیص نوع ایجاز یا اطناب و استنباط هدف بلاغی از آن‌ها.	تحلیل بلاغی و استنباط
	وصل و فصل	- تحلیل علت وصل یا فصل دو جمله بر اساس مواضع مشخص.	تحلیل بلاغی و استنباط
۲. علم بیان	تشبیه	- طبقه‌بندی نوع تشبیه (بلیغ، تمثیل، ضمنی) و شناسایی ارکان آن.	تطبيق و طبقه‌بندی
	استعاره	- تمایز میان استعاره مصرحه و مکنیه و شناسایی ارکان آن.	تطبيق و طبقه‌بندی
	مجاز (مرسل و عقلی)	- تعیین علاقه مجاز مرسل (کلیه، جزئی، سببیه و...).	تطبيق و طبقه‌بندی
	کنایه	- تشخیص نوع کنایه و درک معنای پنهان و مقصود اصلی.	تحلیل بلاغی و استنباط
۳. علم بدیع	محسنات معنوی	- شناسایی آرایه‌های طباق، مقابله، توریه و مراعات نظیر.	شناسایی و تحلیل
	محسنات لفظی	- تشخیص انواع جناس (تام، ناقص و...) و سجع در نثر.	تطبيق و طبقه‌بندی
۴. مباحث مشترک	تحلیل بلاغی جامع	- سوالات ترکیبی نیازمند شناسایی چندین آرایه در یک متن کوتاه.	تحلیل جامع و یکپارچه

جداول مقایسه‌ای

جدول ۱: جدول فراوانی موضوعی سوالات (۱۳۹۰-۱۴۰۴)

مبحث / سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	...	۱۴۰۳	۱۴۰۴	مجموع	درصد فراوانی
حوزه اصلی ۱: علم معانی	(۷)	(۸)	...	(۸)	(۷)	۱۱۲	~۵۰٪
مبحث فرعی ۱.۱: خبر و انشاء (طلبی و...)	۳	۴	...	۳	۳	۴۵	۲۰.۰٪
مبحث فرعی ۱.۲: قصر	۱	۱	...	۲	۱	۲۰	۸.۹٪
مبحث فرعی ۱.۳: فصل و وصل	۱	۱	...	۱	۱	۱۵	۶.۷٪
مبحث فرعی ۱.۴: ایجاز، اطناب، مساوات	۱	۱	...	۱	۱	۱۵	۶.۷٪
مبحث فرعی ۱.۵: احوال مسند و مسندالیه	۱	۱	...	۱	۱	۱۷	۷.۶٪
حوزه اصلی ۲: علم بیان	(۵)	(۴)	...	(۴)	(۵)	۶۸	~۳۰٪
مبحث فرعی ۲.۱: استعاره	۲	۱	...	۱	۲	۲۵	۱۱.۱٪
مبحث فرعی ۲.۲: تشبیه	۱	۲	...	۲	۱	۲۵	۱۱.۱٪
مبحث فرعی ۲.۳: مجاز (مرسل و عقلی)	۱	۱	...	۱	۱	۱۰	۴.۴٪
مبحث فرعی ۲.۴: کنایه	۱	۰	...	۰	۱	۸	۳.۶٪
حوزه اصلی ۳: علم بدیع	(۳)	(۳)	...	(۳)	(۳)	۴۵	~۲۰٪
مبحث فرعی ۳.۱: محسنات معنوی (طباق، توریه...)	۲	۲	...	۲	۲	۲۵	۱۱.۱٪
مبحث فرعی ۳.۲: محسنات لفظی (جناس، سجع...)	۱	۱	...	۱	۱	۲۰	۸.۹٪
مجموع سوالات سال	۱۵	۱۵	...	۱۵	۱۵	۲۲۵	۱۰۰٪

جدول ۲: جدول فراوانی منابع سوالات (۱۴۰۴-۱۳۹۰)

درصد اهمیت	مجموع (تخمینی)	ردیف‌ها (کتب و منابع اصلی)
۶۲٪~	۱۴۰~	جواهر البلاغة (لأحمد الهاشمي)
۲۴٪~	۵۵~	مختصر المعانی (للتفتازانی) (و شروح آن)
۹٪~	۲۰~	البلاغة الواضحة (لعلی الجارم و مصطفى أمين)
۵٪~	۱۰~	سایر منابع (المطول، اسرار البلاغة و...)
۱۰۰٪	۲۲۵	مجموع

بخش چهارم: گزارش تحلیلی و توصیه‌های راهبردی

۱. تحلیل روندها:

روند ثبات کامل که در دوره قبلی (۷۱-۸۹) مشاهده شد، در این دوره (۹۰-۱۴۰۴) نیز با قدرت ادامه یافته است. بودجه‌بندی سوالات تقریباً در تمام این ۱۵ سال یکسان بوده است. تنها تغییر قابل ملاحظه، افزایش وزن «علم معانی» از ۴۲٪ به ۵۰٪ و کاهش وزن «علم بدیع» از ۲۷٪ به ۲۰٪ بوده است. این تغییر نشان می‌دهد که طراحان به مرور، تمرکز خود را بر مباحث مفهومی‌تر و مرتبط‌تر با نحو (علم معانی) افزایش داده و از مباحث صرفاً حفظی (علم بدیع) کاسته‌اند.

۲. معرفی مباحث کلیدی (High-Yield):

- **علم معانی (۵۰٪):** این علم اکنون نیمی از آزمون را تشکیل می‌دهد و تسلط بر آن به معنای واقعی، کلید موفقیت است. مباحث «خبر و انشاء» (به‌ویژه اغراض ثانویه) و «قصر» پر تکرارترین زیرشاخه‌ها هستند.
- **علم بیان (۳۰٪):** اهمیت این بخش همچنان بالاست. دو مبحث «استعاره» و «تشبیه» به یک اندازه اهمیت داشته و مجموعاً بیش از ۲۰٪ کل آزمون را تشکیل می‌دهند.
- **علم بدیع (۲۰٪):** اگرچه سهم آن کاهش یافته، اما همچنان یک پنجم آزمون است. تمرکز بر «محسنات معنوی» (خصوصاً توریه، طباق و مقابله) ضروری است.

۳. ارزیابی اهمیت منابع:

- **اولویت اول (منبع مطلق):** کتاب «جواهر البلاغة» بیش از پیش اهمیت یافته و منبع اصلی بیش از ۶۰٪ سوالات (تعاریف، دسته‌بندی‌ها و شواهد) است. تسلط کامل بر این کتاب الزامی است.
- **اولویت دوم (منبع نخبگان):** «مختصر المعانی» منبع سوالات دشوار و مفهومی علم معانی است. برای کسب رتبه‌های برتر، درک عمیق مباحث این کتاب ضروری است.

۴. توصیه‌های راهبردی:

- **تغییر استراتژی مطالعه:** با توجه به وزن ۵۰ درصدی علم معانی، داوطلبان باید حداقل نیمی از زمان مطالعه بلاغت خود را به این علم اختصاص دهند و از آن به عنوان مبحث اصلی و تعیین‌کننده یاد کنند.
- **تسلط بر شواهد:** اکثر قریب به اتفاق مثال‌ها (آیات و ابیات) تکراری و برگرفته از کتب مرجع (به‌ویژه جواهر البلاغة) هستند. به جای حل تست‌های تألیفی متعدد، بر تحلیل دقیق شواهد کتب درسی تمرکز کنید.
- **بدیع را حذف نکنید:** اگرچه سهم بدیع کاهش یافته، اما ۲۰٪ همچنان نمره قابل توجهی است و سوالات آن معمولاً ساده‌ترین و مستقیم‌ترین سوالات آزمون هستند.

زبان و ادبيات عربى ١٤٠٤

معانى و بيان و بديع



أجب عن الأسئلة التالية

١٠٦٩. « لا تطمحن إلى المراتب قبل أن تتكامل الأدوات و الأسباب » عيّن الخطأ فى الغرض:
(١) تغييس (٢) إرشاد (٣) التماس (٤) الحقيقة فى النهى
١٠٧٠. عيّن البيت الذى يختلف عن الأبيات الأخرى فى الغرض:
(١) و مكارمى عدد النجوم و منزلى مآوى الكرام و منزل الأضياف!
(٢) و لى منطق لم يرض لى كنة منزلى على أننى بين السماكين نازل!
(٣) يقوت ضجيع الترهات طلابه و يدنو إلى الحاجات من بات ساعياً
(٤) إذا بلغ الفطام لنا صبىً تخر له الجبار ساجدينا!
١٠٧١. عيّن الأنسب بين الأجوبة فى غرض صيغ الطلب التى أشير إليها بخط:
(١) ﴿ لا تجعل مع الله إلهاً آخر ﴾ إرشاد
(٢) ﴿ ولا تقتلوا النفس التى حرم الله إلاً بالحق ﴾ تهديد
(٣) ﴿ فإذا لقيتم الذين كفروا فاضرب الرقاب حتى إذا أثخنتموهم فشدوا الوثاق ﴾ إرعاب
(٤) ﴿ و كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر ﴾ طلب الفعل
١٠٧٢. عيّن الصحيح:
(١) أ بنفسك جمعت هذه العينات؟ لا؛ تلك أكذوبات!
(٢) أ ركباً وصلت؟ نعم! الطريق بعيد فاخترت هذه الطريقة!
(٣) أ فى المكتبة طالعت؟ لا ، كنت تعبان فاستمعت إلى محاضرة!
(٤) أ يوم الجمعة سافر الضيف؟ نعم، سافر الضيف لسفرة سياحية!
١٠٧٣. « أ عندى و قد مارست كل خفية يصدق واشى أو يخيب سائل! » عيّن الصحيح:
(١) التنوين فى « واش » و « سائل » جاء للتعظيم و التكبير.
(٢) حذف المسند إليه الأسمى ربما من أجل خوف الشاعر من بيانه.
(٣) تقديم المسند من أجل بيان شدة استياء الشاعر جراء الواقعة التى حدثت.
(٤) الاستفهام حقيقى تصدىقى يريد الشاعر أن يستفهم المساهم فى الأمر الحادث.
١٠٧٤. عيّن الخطأ فى تبيين المقام أثناء صدور الكلام التالى:
« قد يبلغ الرجل الجبان بماله ما ليس يبلغه الشجاع المعدم »
(١) توظيف الموصول العام يعبر عن شمولية أو إخفاء أو إبهام.
(٢) لم يكن الشاعر متيقناً فى مضمون الخير فكأن القضية لا تقع دوماً.
(٣) ربما لم يستخدم الشاعر علماً لتوسيع شمولية المضمون أو لعهد بينه و بين المخاطب.
(٤) تقديم المفعول به على الفاعل فى الشطر الثانى يرى أن الشاعر اعتبر للمفعول به أهمية خاصة.
١٠٧٥. « ألا إنهم هم المفسدون و لكن لا يشعرون ﴾ عيّن الخطأ:
(١) إن المخاطب لا يقبل إفساد هؤلاء فىأتى بالحجج و البراهين حتى يطهرهم.
(٢) هؤلاء لا يتغيرون و قد ثبتوا على هذه الحالة و الآية لا تتكلم عن ماضيهم.
(٣) ربما يقصد المتكلم أن يجعل الفساد محصوراً فيهم فلم يكن غيرهم مفسدين.
(٤) مجيء أداة الاستدراك للإشارة إلى إمكانية رجوع هؤلاء عن إفسادهم.



موضوع سؤال: این سؤال به مبحث «اغراض مجازی نهی» در علم معانی می‌پردازد. سؤال از ما می‌خواهد گزینه‌ای را که غرض شاعر از نهی در این بیت نیست (الخطأ)، شناسایی کنیم.

تحلیل تخصصی گزینه صحیح

بیت: «لا تظمحنّ إلى المراتب قبل أن / تتكامل الأدوات و الأسباب!» (هرگز پیش از آنکه ابزار و اسباب [لازم] کامل شود، به سوی مراتب [بالا] چشم مدوز!).

این بیت یک پند حکیمانه را در قالب نهی بیان می‌کند. اغراض بلاغی آن عبارتند از: إرشاد (راهنمایی): غرض اصلی شاعر، نصیحت و راهنمایی مخاطب به پیمودن مسیر موفقیت به صورت گام به گام و پس از فراهم آوردن مقدمات است. (گزینه ۲ صحیح است).

الحقیقة فی النهی (نهی حقیقی): از آنجا که این یک دستورالعمل کلی و کاربردی است، می‌توان جنبه نهی حقیقی (بازداشتن واقعی از یک عمل) را نیز در آن قوی دانست. (گزینه ۴ صحیح است).

التماس (خواهش): اگر گوینده و شنونده هم‌رتبه باشند، این نهی می‌تواند جنبه خواهش و التماس داشته باشد. (گزینه ۳ نیز به عنوان یک احتمال قابل طرح است).

اما تیئیس (ناامید کردن) غرض این نهی نیست. شاعر مخاطب را از رسیدن به مراتب بالا به طور کلی ناامید نمی‌کند، بلکه او را از «عجله کردن» و «اقدام پیش از موعد» باز می‌دارد. پیام بیت، امیدبخش است و راه رسیدن به موفقیت را نشان می‌دهد، نه اینکه آن را محال و دست‌نیافتنی جلوه دهد. بنابراین، گزینه ۱ نادرست است.

شرح قواعد علوم بلاغی

اغراض النهی: بر اساس سرفصل ۱.۲ (انشاء طلبی)، نهی نیز مانند امر، علاوه بر معنای حقیقی خود، دارای اغراض مجازی متعددی است که بسته به مقام و موقعیت کلام، از آن فهمیده می‌شود. برخی از مهم‌ترین این اغراض عبارتند از: الدعاء: (ربنا لا تزغ قلوبنا).

الإرشاد: (لا تسألوا عن أشياء إن تبد لكم تسؤکم).

التهدید: (لا تطع أمری!).

التوبيخ (سرزنش): (لا تنه عن خلق و تأتي مثله).

التيئیس (ناامید کردن): (لا تعتذروا اليوم).

منابع

البلاغة الواضحة، تألیف علی الجارم و مصطفی امین. در بخش «الإنشاء الطلبی»، اغراض مجازی نهی به صورت مجزا و با مثال‌های واضح شرح داده شده است.

جواهر البلاغة، تألیف احمد الهاشمی. این کتاب نیز به صورت مفصل و با دسته‌بندی دقیق، این اغراض را بررسی کرده است.

موضوع سؤال: این سؤال به مبحث «اغراض ثانویه خبر» در علم معانی می‌پردازد و از ما می‌خواهد بییتی را که غرض آن با سه بیت دیگر متفاوت است، شناسایی کنیم.

تحلیل تخصصی گزینه صحیح

ابیات ۱، ۲ و ۴ همگی در مقام «فخر» سروده شده‌اند. شاعر در این ابیات به ستودن خود، قوم، یا ویژگی‌های برجسته‌اش می‌پردازد: بیت ۱: «و مکارمی عددُ النجوم...» (و بزرگواری‌های من به تعداد ستارگان است...). این یک فخر آشکار به کثرت کرم و مهمان‌نوازی است.

بیت ۲: «و لی منطقٌ لم یرضَ لی...» (و من سخنی [بلیغ] دارم که به جایگاه من [در میان ستارگان] راضی نیست...). این فخر به قدرت سخنوری است.

بیت ۴: «إذا بلغ الفطامُ لنا صبی...» (هرگاه کودکی از ما از شیر گرفته شود، گردنکشان در برابرش به سجده می‌افتند). این یک فخر شدید به عزت و شوکت قبیله است.

اما بیت ۳، یک غرض متفاوت دارد:

«يَفُوتُ ضَجِيعَ التَّرَهَاتِ طَلَابُهُ / وَ يَدْنُو إِلَى الْحَاجَاتِ مِنْ بَاتِ سَاعِيًّا» (کسی که هم‌بستر اباطیل است، خواسته‌هایش را از دست می‌دهد / و کسی که شب را در تلاش به سر برد، به خواسته‌هایش نزدیک می‌شود).
این بیت در مقام «حکمت و ارشاد» است. شاعر یک پند کلی و یک قانون عمومی زندگی را بیان می‌کند و مخاطب را به تلاش و کوشش و دوری از بیهودگی فرامی‌خواند. در این بیت، هیچ فخر فروشی شخصی یا قبیله‌ای وجود ندارد.
بنابراین، غرض بیت ۳ (حکمت) با غرض سه بیت دیگر (فخر) متفاوت است.

شرح قواعد علوم بلاغی

الفخر (Self-glorification): یکی از رایج‌ترین اغراض بلاغی خبر در شعر عربی، به ویژه در قصاید مدح و حماسه است. شاعر در مقام فخر، با استفاده از تشبیه، مبالغه و دیگر صنایع، به بیان شجاعت، کرم، نسب، قدرت سخنوری و دیگر ویژگی‌های برجسته خود یا قبیله‌اش می‌پردازد.

الحکمة (Wisdom): بیان یک پند، اندرز یا یک حقیقت کلی و جهان‌شمول درباره زندگی، اخلاق و طبیعت انسان است. اشعار حکمی معمولاً فاقد جنبه شخصی هستند و پیامی عمومی برای همه مخاطبان دارند.

منابع

جواهر البلاغة، تألیف احمد الهاشمی. در بخش «أغراض الخبر»، به فخر به عنوان یکی از مهم‌ترین اغراض اشاره شده است.
تاریخ الأدب العربی، تألیف حنا الفاخوری (با کتب مشابه). در این کتب، اغراض شعری مانند فخر و حکمت به عنوان جریان‌های اصلی در دوره‌های مختلف ادبی بررسی شده‌اند.

۱۰۷۱. گزینه ۳

موضوع سؤال: این سؤال به مبحث «اغراض مجازی صیغ طلب (امر و نهی)» در علم معانی می‌پردازد و از ما می‌خواهد مناسب‌ترین غرض را برای هر عبارت مشخص کنیم.

تحلیل تخصصی گزینه صحیح

گزینه ۳: «﴿إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتَمُوهُم فَسَدُّوا الْوُثَاقَ﴾ ← إِرْعَاب»
(پس چون با کافران روبرو شدید، گردن‌ها را بزنید تا آنگاه که آنان را سخت درهم شکستید، پس اسیران را محکم ببندید).
این آیه در مقام توصیف جنگ و جهاد است. مصدر «ضرب الرقاب» که به جای فعل امر (فاضربوا) آمده، تأکید بسیار شدیدی دارد و هیبت و شدت عمل را به تصویر می‌کشد. غرض از این امر، «إِرْعَاب» (ترساندن دشمن) و همچنین «تحریض المؤمنین» (تحریک مؤمنان به جنگ) است. تحلیل ارائه شده در این گزینه، با توجه به سیاق آیه، کاملاً مناسب و دقیق است.

تحلیل سایر گزینه‌ها (که انطباق ندارند):

- **گزینه ۱:** لا تجعل مع الله إلهاً آخر. این نهی از جانب خداوند به بنده است. غرض اصلی آن «تحریم» و بازداشتن قطعی از شرک است، نه صرفاً «ارشاد».
- **گزینه ۲:** ولا تقتلوا النفس... این نهی نیز از جانب خداوند و در مقام قانون‌گذاری است. غرض اصلی آن «تحریم» است، نه «تهدید». تهدید زمانی است که عاقبت بدی برای انجام عمل ذکر شود.
- **گزینه ۴:** و کُلُوا و اشربوا حتی... این امر در مقام بیان یک حکم شرعی است و به معنای «إِبَاحَة» (مباح کردن) خوردن و آشامیدن تا طلوع فجر است، نه «طلب الفعل» به معنای وجوب.
نکته مهم در مورد پاسخنامه:

با توجه به کلید سازمان سنجش، گزینه ۳ به عنوان پاسخ صحیح انتخاب شده است. تحلیل فوق نیز صحت این گزینه را تأیید می‌کند. «ارعب» و «تحریض» بهترین توصیف برای لحن آیه جهاد است.

شرح قواعد علوم بلاغی

مصدر نایب از فعل امر: گاهی در کلام بلیغ، به جای استفاده از صیغه امر، از مصدر منصوب استفاده می‌شود. (مانند: صبراً آل یاسر). این کار تأکید و مبالغه بیشتری را نسبت به فعل امر می‌رساند، زیرا گویی خود «حدث و رویداد» بدون واسطه فعل، طلب می‌شود. در آیه ضرب الرقاب، این ساختار شدت و قاطعیت فرمان را به اوج خود رسانده است.



منابع

معنی اللبیب عن کتب الأعراب، تألیف ابن هشام انصاری. در این کتاب، به مباحث نحوی-بلاغی مانند نیابت مصدر از فعل به تفصیل پرداخته شده است.

التفسیر البیانی للقرآن الکریم، تألیف عائشه عبدالرحمن (بنت الشاطی). این تفسیر به تحلیل دقیق لحن و اغراض بلاغی آیات الاحکام و جهاد توجه ویژه‌ای دارد.

۱۰۷۲. گزینه ۲)

موضوع سؤال: این سؤال به مبحث «استفهام» و مطابقت پاسخ با سؤال در علم معانی می‌پردازد و از ما می‌خواهد گزینه‌ای را که در آن، پاسخ (نعم یا لا) با ساختار سؤال هماهنگی دارد، مشخص کنیم.

تحلیل تخصصی گزینه صحیح

گزینه ۲: «أ راکباً وصلت؟ نعم! الطریق بعید فاخترت هذه الطریقة!»

(آیا سواره رسیدی؟ بله! راه دور بود پس این روش را انتخاب کردم!)

• **تحلیل سؤال:** در «أ راکباً وصلت؟» همزه استفهام بلافاصله قبل از حال (راکباً) آمده است. بنابراین، «مسئول عنه» (آنچه مورد پرسش است)، کیفیت و چگونگی رسیدن است، نه اصل رسیدن. این یک استفهام برای طلب التصور است.

• **تحلیل پاسخ:** پاسخ با «نعم» شروع شده که برای «طلب التصدیق» (بله/خیر) به کار می‌رود. اما ادامه پاسخ (الطریق بعید...) دقیقاً به «چگونگی» و «علت» سواره آمدن می‌پردازد و محتوای سؤال را تأیید می‌کند.

• **انطباق:** در محاوره، گاهی برای تأیید محتوای یک سؤال تصویری، از «نعم» استفاده می‌شود و سپس توضیح لازم ارائه می‌گردد. این ساختار، یک گفتگوی طبیعی و منطقی را شکل می‌دهد و پاسخ با سؤال کاملاً مرتبط است.

تحلیل سایر گزینه‌ها (که ناهماهنگ هستند):

• **گزینه ۱:** سؤال (أ بنفسک...؟) درباره فاعل (آیا خودت جمع کردی؟) است، اما پاسخ (لا؛ تلک أکذوبات!) اصل جمع‌آوری نمونه‌ها را انکار می‌کند. این دو با هم ناهماهنگ هستند.

• **گزینه ۳:** سؤال (أ فی المكتبة...؟) درباره مکان مطالعه (المکتبة) است، اما پاسخ (لا، کنتُ تعبانَ فاستمعت...) فعل مطالعه را نفی و آن را با فعل دیگری (استمعت) جایگزین می‌کند. این نیز ناهماهنگی است.

• **گزینه ۴:** سؤال (أ یوم الجمعة...؟) درباره زمان سفر (یوم الجمعة) است، اما پاسخ (نعم، سافر الضیف لِسفرةٍ سیاحیة!) علت سفر را بیان می‌کند و به تأیید یا رد زمان نمی‌پردازد.

شرح قواعد علوم بلاغی

مطابقت جواب با سؤال: در بلاغت، پاسخ بلیغ پاسخی است که دقیقاً به نقطه مورد پرسش در سؤال اشاره کند. استفهام تصدیقی و تصویری:

• **تصدیق (با هل/همزه):** پرسش از وقوع نسبت. پاسخ: نعم / لا.

• **تصور (با همزه):** پرسش از یکی از اجزای جمله. پاسخ: تعیین آن جزء (تعیین المسؤول عنه).

اگرچه در محاوره گاهی این مرزها کمرنگ می‌شود، اما اصل بلاغی بر این است که پاسخ، ابهام موجود در سؤال را برطرف کند. در گزینه ۲، پاسخ به بهترین شکل این کار را انجام می‌دهد.

۱۰۷۳. گزینه ۲)

موضوع سؤال: این سؤال به تحلیل بلاغی یک بیت شعر از منظر علم معانی می‌پردازد و مباحثی چون تقدیم و تأخیر، حذف، تنکیر و اغراض استفهام را در بر می‌گیرد.

تحلیل تخصصی گزینه صحیح

بیت: «أ عندی و قد مارست کلّ خفیة / یصدّق واثٍ أو یخیب سائل!»

(آیا نزد من، در حالی که هر امر پنهانی را آزموده‌ام / سخن‌چینی باور می‌شود یا خواهش‌کننده‌ای ناامید می‌گردد؟!)

گزینه ۲: «حذف المسند إلیه الأصلی ربّما من أجل خوف الشاعر من بیانه.» (حذف مسندالیه اصلی، شاید به دلیل ترس شاعر از بیان آن بوده است).

- تحلیل ساختار: جمله اُ عندی... یصدق واش... یک ساختار غیرعادی دارد. خبر (عندی) مقدم شده، اما مبتدای آن محذوف است.
- تقدیر مسندالیه (مبتدا): تقدیر جمله چنین است: اُ عندی *هذا الأمر يحدث*؟! (آیا نزد من چنین چیزی رخ می‌دهد؟). یا اُ عندی *أنت تفعل هذا*؟! (آیا نزد من تو چنین می‌کنی؟). مسندالیه، اشاره به یک واقعه ناخوشایند یا یک شخص (ممدوح) دارد که شاعر از او گله‌مند است.
- علت حذف: شاعر از بیان صریح این «واقعه» یا خطاب مستقیم به آن «شخص» خودداری کرده و آن را حذف نموده است. این حذف می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد: بزرگ شمردن امر و هولناک دانستن آن، یا ترس و احتیاط از بیان صریح آن. بنابراین، تحلیل ارائه شده در گزینه ۲ کاملاً محتمل و صحیح است.

تحلیل سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: تئوین در «واش» و «سائل» (نکره آمدن)، برای تحقیر است، نه تعظیم. یعنی «هیچ سخن چین بی‌ارزشی» و «هیچ خواهش‌کننده بی‌پناهی».
- گزینه ۳: تقدیم مسند (عندی) برای استبعاد و انکار شدید است، نه صرفاً «استیاء» (نارضایتی). شاعر با مقدم کردن خود، وقوع چنین امری را در محضر خود کاملاً بعید و شگفت‌آور می‌داند.
- گزینه ۴: استفهام، مجازی و برای انکار و تعجب است، نه حقیقی. شاعر به دنبال کسب اطلاع نیست، بلکه در حال انکار شدید وقوع چنین امری است.

شرح قواعد علوم بلاغی

حذف المسندالیه (مبتدا): بر اساس سرفصل ۱.۳، حذف مبتدا اغراض متعددی دارد، از جمله:

العلم به: بدیهی بودن آن.

الإيجاز: برای اختصار.

الخوف منه أو عليه: ترس از ذکر نام او یا ترس برای او.

التحقير: برای پست شمردن او.

التنبیه إلى عظمته: برای اشاره به عظمت او یا حذف نام.

در این بیت، حذف مبتدا به دلیل هولناک بودن واقعه و شاید احتیاط از ذکر صریح آن، به بلاغت کلام افزوده است.

منابع

جواهر البلاغة، تألیف احمد الهاشمی. در بخش «احوال المسندالیه»، اغراض مختلف حذف مبتدا به صورت دسته‌بندی شده بیان گردیده است.

دلائل الإعجاز، تألیف عبدالقاهر جرجانی. این کتاب به تحلیل عمیق ارزش‌های معنایی ناشی از حذف و ذکر در کلام عربی پرداخته است.

۱۰۷۴. گزینه ۴

موضوع سؤال: این سؤال به تحلیل بلاغی یک بیت شعر از منظر علم معانی و به طور خاص، دلالت اسم موصول، ادات و تقدیم و تأخیر می‌پردازد. سؤال از ما می‌خواهد گزاره نادرست (الخطأ) را بیابیم.

تحلیل تخصصی گزینه صحیح

بیت: «قد يبلغ الرجل الجبان بماله / ما ليس يبلغه الشجاع المُعَدَم»

گزاره ۴: «تقدیم المفعول به علی الفاعل فی الشطر الثانی یرى أن الشاعر اعتبر للمفعول به أهمیة خاصة.»

(تقدیم مفعول به بر فاعل در مصرع دوم نشان می‌دهد که شاعر برای مفعول به اهمیت خاصی قائل بوده است.)

- تحلیل ساختار مصرع دوم: ما ليس يبلغه الشجاع المُعَدَم.

○ فعل: يبلغ

○ فاعل: الشجاع

○ مفعول به: ضمیر ه که به اسم موصول ما برمی‌گردد.

- ترتیب اجزا: ترتیب اجزا در اینجا فعل + مفعول به (ضمیر متصل) + فاعل (اسم ظاهر) است.



• **اشکال تحلیل:** در زبان عربی، هرگاه مفعول به ضمیر متصل و فاعل اسم ظاهر باشد، تقدیم مفعول به بر فاعل **واجب نحوی** است و یک امر طبیعی و اصلی در ساختار جمله محسوب می‌شود، نه یک تقدیم بلاغی برای بیان اهمیت خاص. شاعر گزینه‌ای جز این ترتیب نداشته است. بنابراین، نسبت دادن این تقدیم به قصد «اهمیت بخشیدن» از سوی شاعر، یک تحلیل بلاغی **نادرست** است.

تحلیل سایر گزینه‌ها (که صحیح هستند):

• **گزینه ۱:** اسم موصول «ما» که عام است، می‌تواند برای **شمولیت** (هر آنچه که...)، **ابهام** یا **اخفاء** (برای بزرگ‌نمایی آن) به کار رود. این تحلیل صحیح است.

• **گزینه ۲:** حرف «قد» وقتی بر سر فعل مضارع می‌آید (قد یبلغ)، بر **تقلیل** (گاه) یا **تشکیک** دلالت دارد. این نشان می‌دهد که شاعر این پدیده را یک قانون همیشگی نمی‌داند. این تحلیل صحیح است.

• **گزینه ۳:** شاعر به جای ذکر نام یک فرد ترسو یا شجاع (عَلَم)، از صفت عام (الرجل الجبان، الشجاع) استفاده کرده تا حکم خود را **تعمیم دهد** و آن را به یک قانون کلی تبدیل کند. این تحلیل صحیح است.

شرح قواعد علوم بلاغی

تقدیم الواجب و التقدیم البلاغی: در علم معانی، باید میان تقدیری که از نظر علم نحو «واجب» است و تقدیری که «جایز» و برای غرض بلاغی است، تفاوت قائل شد.

تقدیم واجب: تقدیری است که قواعد دستوری آن را ایجاب می‌کند (مانند تقدیم مفعول ضمیری بر فاعل ظاهر). در این موارد، چون گوینده گزینه‌ای جز این ترتیب ندارد، نمی‌توان غرض بلاغی خاصی را به نفس این تقدیم نسبت داد.

تقدیم جایز (بلاغی): تقدیری است که از نظر دستوری الزامی نیست و گوینده برای اهداف بلاغی (مانند قصر و اهتمام) آن را انتخاب می‌کند.

منابع

کتاب نحو جامع مانند شرح ابن عقیل یا النحو الوافی. در این کتاب، موارد وجوب و جواز تقدیم مفعول به بر فاعل به تفصیل بیان شده است.

دلائل الإعجاز، تألیف عبدالقاهر جرجانی. این کتاب نیز بر تفاوت میان الزامات نحوی و انتخاب‌های بلاغی تأکید دارد.

گزینه ۴ . ۱۰۷۵

موضوع سؤال: این سؤال به تحلیل بلاغی یک آیه کریمه از منظر علم معانی می‌پردازد و بر مباحثی چون اضرب خبر، قصر و استدراک تمرکز دارد. سؤال از ما می‌خواهد گزاره نادرست (الخطأ) را بیابیم.

تحلیل تخصصی گزینه صحیح

آیه: «ألا إنهم هم المفسدون و لكن لا يشعرون» (آگاه باشید که آنان خود مفسدانند، ولی نمی‌فهمند).

گزاره ۴: «مجيء أداة الاستدراك للإشارة إلى إمكانية رجوع هؤلاء عن إفسادهم.» (آمدن ادات استدراک برای اشاره به امکان بازگشت اینان از فسادشان است).

این تحلیل نادرست است. ادات استدراک «لکن» برای رفع توهمی به کار می‌رود که ممکن است از جمله قبل ایجاد شود.

• **جمله اول:** «ألا إنهم هم المفسدون.» این جمله با سه مؤکد (ألا، إن، ضمیر فصل هم)، با قاطعیت تمام، فساد را در منافقان **حصر** می‌کند.

• **توهم ممکن:** شنونده ممکن است با خود بگوید: اگر آن‌ها واقعاً مفسد هستند، پس چرا خودشان این را نمی‌دانند یا چرا ظاهرشان صلاح را نشان می‌دهد؟

• رفع توهم: جمله و لكن لا يشعرون این توهم را رفع می‌کند و پاسخ می‌دهد: آن‌ها مفسدند، اما به دلیل جهل و غفلت، خودشان این را درک نمی‌کنند.

بنابراین، «لکن» در اینجا برای تبیین علت عدم آگاهی آن‌ها از فساد خودشان است، نه برای اشاره به «امکان بازگشت» آن‌ها. برعکس، این جمله بر رسوخ آن‌ها در فساد تأکید می‌کند.

تحلیل سایر گزینه‌ها (که صحیح هستند):

- گزینه ۱: ساختار بسیار مؤکد آیه (ألا إنهم هم المفسدون) نشان می‌دهد که برای مخاطبی به کار رفته که فساد این گروه را به شدت انکار می‌کند. این تحلیل صحیح است.
- گزینه ۲: جمله اسمیه (هم المفسدون) همراه با ضمیر فصل، بر ثبوت و دوام صفت فساد در آن‌ها دلالت دارد. این تحلیل صحیح است.
- گزینه ۳: ساختار (مبتدا معرفه + ضمیر فصل + خبر معرفه) یکی از قوی‌ترین شیوه‌های قصر است. معنای آیه این است که «مفسدان فقط اینان هستند». این تحلیل صحیح است.

شرح قواعد علوم بلاغی

- معانی «لکن» (But/However): «لکن» از حروف مشبّهة بالفعل و یکی از مهم‌ترین ادوات کلامی است. معنای اصلی آن «استدراک» (Rectification/Afterthought) است و برای یکی از دو هدف زیر به کار می‌رود:
۱. رفع توهّم: برطرف کردن یک برداشت اشتباه که ممکن است از جمله قبلی ایجاد شود. (مانند آیه سؤال).
 ۲. اثبات نقیض حکم: اثبات حکمی متضاد با حکم جمله قبل. مثال: زیدٌ شجاعٌ و لکنّه بخیلٌ.

منابع

مغنی اللیب عن کتب الأعراب، تألیف ابن هشام انصاری. این کتاب به صورت جامع به معانی و کاربردهای دقیق حروف، از جمله «لکن» و تفاوت آن با «بل» پرداخته است. جواهر البلاغة، تألیف احمد الهاشمی. در بخش‌های مختلف علم معانی به نقش «لکن» در استدراک و قصر اشاره شده است.

گزینه ۱. ۱۰۷۶

موضوع سؤال: این سؤال به تحلیل «قصر» در یک بیت شعر از منظر علم معانی می‌پردازد و از ما می‌خواهد گزاره صحیح را بیابیم.

تحلیل تخصصی گزینه صحیح

بیت: «راحل أنت و اللیالی طویل / و مضرّ بک البقاء الطویل» (تورفتنی هستی و شب‌ها ای عمر! طولانی است / و ماندن طولانی برای تو زیان‌بار است). گزاره ۱: «فی المصراع الثانی القصر إضافی؛ قصر الموصوف علی الصفة.» (در مصرع دوم، قصر اضافی و از نوع قصر موصوف بر صفت است).

• تحلیل مصرع دوم: و مضرّ بک البقاء الطویل.

- تقدیم: در این جمله، خبر (مضرّ) و متعلق آن (بک) بر مبتدا (البقاء) مقدم شده است. این تقدیم، افاده قصر می‌کند.
- طرفین قصر:

▪ موصوف (مقصور): البقاء الطویل (ماندن طولانی).

▪ صفت (مقصور علیه): مضرّ بک (برای تو زیان‌بار بودن).

- نوع قصر: این یک «قصر موصوف بر صفت» است. یعنی «ماندن طولانی» بر صفت «زیان‌بار بودن برای تو» مقصور شده است. معنای آن این است که ماندن طولانی، هیچ صفتی جز زیان‌باری برای تو ندارد.
- اضافی یا حقیقی: این قصر، «اضافی» است، زیرا این حکم (زیان‌بار بودن) نسبت به شخص مخاطب است، نه یک حکم کلی و مطلق.

بنابراین، تحلیل ارائه شده در گزینه ۱ کاملاً صحیح است.

تحلیل سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: در مصرع اول (راحل أنت) نیز تقدیم خبر (راحل) بر مبتدا (أنت) وجود دارد که افاده قصر می‌کند. این یک قصر صفت بر موصوف است (صفت رفتنی بودن بر موصوف تو). اما «حقیقی» بودن آن محل بحث است و غالباً اضافی تلقی می‌شود.
- گزینه ۳: همانطور که گفته شد، قصرها اضافی هستند، نه حقیقی. همچنین نوع آن‌ها (یکی صفت بر موصوف و دیگری موصوف بر صفت) متفاوت است.



- گزینه ۴: تقدیم «بک» برای حصر است، اما نوع قصر را «افراد» دانسته که لزوماً صحیح نیست و به مقام و موقعیت مخاطب بستگی دارد. گزاره ۱ تحلیل کامل‌تر و دقیق‌تری ارائه می‌دهد.

شرح قواعد علوم بلاغی

انواع قصر بر اساس طرفین: بر اساس سرفصل ۱.۵، قصر به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود:

۱. **قصر صفت بر موصوف (Restriction of an attribute to a subject):** یک صفت نیکو یا بد را به یک موصوف منحصر می‌کند. این نوع قصر معمولاً برای مدح یا ذم شدید به کار می‌رود. مثال: لا فتی إلا علیّ.
۲. **قصر موصوف بر صفت (Restriction of a subject to an attribute):** یک موصوف را به داشتن یک صفت خاص منحصر می‌کند و صفات دیگر را از او نفی می‌کند. مثال: و ما محمدٌ إلا رسول.

منابع

جواهر البلاغة، تألیف احمد الهاشمی. فصل «القصر» در این کتاب به صورت بسیار منظم و با مثال‌های متعدد، تفاوت میان قصر صفت بر موصوف و موصوف بر صفت را شرح داده است.

الإيضاح فی علوم البلاغة، تألیف خطیب قزوینی. این کتاب نیز به تحلیل دقیق انواع قصر و دلالت‌های معنایی آن‌ها پرداخته است.

۱۰۷۷. گزینه ۲

موضوع سؤال: این سؤال به تحلیل بلاغی یک بیت شعر از منظر علم معانی می‌پردازد و مباحثی چون استفهام مجازی، حذف و تقدیم را در بر می‌گیرد. سؤال از ما می‌خواهد گزاره نادرست (الخطأ) را بیابیم.

تحلیل تخصصی گزینه صحیح

بیت: «أ فی الحق أن يعطى ثلاثون شاعراً / و يحرم ما دون الرضا شاعر مثلی» (آیا این حق است که به سی شاعر [بی‌ارزش] عطا شود / و شاعری مانند من از کمترین رضایت نیز محروم گردد؟!).

گزاره ۲: «حذف المسند إليه لاختبار تتبّه المتلقی» (حذف مسندالیه برای آزمودن توجه شنونده است).

- **تحلیل حذف:** در مصرع دوم، فعل یُحْرَمُ مجهول است و فاعل آن (که در جمله معلوم، مفعول به بوده) یعنی **نایب فاعل (شاعرٌ مثلی)** ذکر شده است. اما فاعل اصلی فعل معلوم (یُحْرَمُ) که همان «عطاکننده» یا «ممدوح» باشد، حذف شده است.
- **علت حذف:** غرض از حذف این فاعل، «العلم به» (چون مشخص است چه کسی عطا می‌کند و محروم می‌کند) و مهم‌تر از آن، «التعریض و الإهانة» است. شاعر با حذف نام او، هم او را پست می‌شمارد و هم به صورت کنایی به او طعنه می‌زند.
- **اشکال تحلیل:** غرض «اختبار تتبّع المتلقی» (آزمودن هوش مخاطب) معمولاً در حذف‌هایی به کار می‌رود که پیچیده و نیازمند دقت فراوان هستند. در اینجا، فاعل محذوف کاملاً قابل حدس است و هدف اصلی، آزمودن هوش نیست، بلکه بیان اعتراض و کنایه است. بنابراین، این تحلیل نادرست است.

تحلیل سایر گزینه‌ها (که صحیح هستند):

- **گزینه ۱:** استفهام (أ فی الحق...) یک استفهام حقیقی نیست، بلکه **مجازی** و برای **انکار** است. شاعر در حال انکار و زیر سؤال بردن عدالت این عمل است.
- **گزینه ۳:** شاعر با عبارت و يحرم ما دون الرضا (از کمترین رضایت هم محروم است)، نشان می‌دهد که برایش «مقدار» عطا مهم نیست، بلکه اصل «بی‌توجهی» و «محرومیت» است که او را آزرده است.
- **گزینه ۴:** در مصرع اول (أ فی الحق...)، شبه جمله (فی الحق) که مسند (خبر) مقدم است، بلافاصله پس از همزه استفهام آمده است. این نشان می‌دهد که «مسؤول عنه» و نقطه اصلی انکار شاعر، «عادلانه و بر حق بودن» این عمل است.

شرح قواعد علوم بلاغی

اغراض حذف الفاعل: بر اساس سرفصل ۱.۳، حذف فاعل و آوردن فعل به صیغه مجهول، اغراض بلاغی متعددی دارد:

العلم به: (خُلِقَ الإنسانُ ضعيفًا).

الجهل به: (سُرِقَ المتاعُ).

الخوف منه أو عليه.